

عنوان مقاله:

نظریه پسااستعماری به مثابه رویکردی برای مطالعات تطبیقی هنر

محل انتشار:

مجله هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، دوره 26، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

نویسنده:

مقداد جاوید صباغیان - استادیار دانشکده هنر دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

خلاصه مقاله:

مطالعات تطبیقی هنر، به عنوان یک گونه مطالعاتی سهم زیادی از مطالعات حوزه پژوهش هنر را به خود اختصاص داده است. همین مهم نیز تحقیق و پژوهش در شناسایی چارچوب های نظری آن را، ایجاب می کند. هدف این مقاله معرفی یکی از چارچوب های نظری سودمند در مطالعات تطبیقی هنر است. در این نوشتار با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی و داده های برآمده از مطالعات کتابخانه ای، ضمن معرفی نظریه پسااستعماری، نحوه بهره گیری از این رویکرد پژوهشی و نیز ره آوردهای به کار بستن ملاحظات و انگاره های آن در مطالعات تطبیقی هنر تشریح گردیده است. ادوارد سعید با کاربرد اصطلاح «شرق شناسی» و تعمیم و توسعه آن، مجموعه بزرگی از آثار هنری و ادبی غربی را در تحکیم ساخت سیاسی مبتنی بر اعمال سلطه موثر می شمارد و از این رهگذر از بافت فرهنگی استعمار غرب پرده برمی دارد. در زمینه مطالعاتی نقد هنری و در مواجهه غربیان با آثار هنری مشرق زمین می توان این زاویه نگاه شرق شناسانه را به وضوح دید. در حکم نتیجه بحث، لزوم کاربرد چارچوب نظری پسااستعماری در مطالعات تطبیقی هنر، برای برگرداندن از مرزهای تنگ مطالعه شرق شناسانه آثار هنری و فرهنگی آشکار می شود و به این ترتیب امکان گفت و گوی آزاد و برابر میان هنرها و فرهنگ های اقصای عالم، فارغ از پیش انگاشته ها و قضاوت های ایدئولوژیک، نمودار می گردد.

کلمات کلیدی:

مطالعات تطبیقی هنر، چارچوب نظری، شرق شناسی، مطالعات پسااستعماری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1775320>

